

پژوهشی درباره شیعیان اندونزی

دکتر جلال درخشه / سیدعلی مرتضوی امامی زواره

دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) / دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

چکیده

اندونزی در جایگاه یک کشور مسلمان در جنوب شرق آسیا، شمار زیادی از شیعیان را در خود جای داده است؛ به نحوی که امروزه شاهد گسترش روزافزون این موج هستیم. تأسیس سازمان‌ها و مراکز اسلامی و شیعی در این کشور، خود حاکی از فضای عظیم شیعی در این سرزمین است. در این مقاله ضمن بیان مختصری از تاریخچه پیدایش و شکل‌گیری شیعیان در اندونزی، به تقسیم‌بندی آنها پرداخته، از این رهگذر به حضور چشمگیر سادات، نحوه ورود آنها و سپس به تعداد شیعیان در اندونزی اشاره‌ای می‌کنیم. وجود مراکز شیعی - که در واقع نمادی از حضور تشیع در یک سرزمین است - را از نظر می‌گذرانیم و به معرفی تنی چند از اشخاص برجسته شیعی، کتب ترجمه‌شده و آثار بزرگان و اندیشمندان ایرانی - که این خود نمونه‌ای از وجود خورشید تشیع و اردات به اهل بیت (ع) است - می‌پردازیم و در آخر با ذکر برخی از آداب و رسوم شیعه که در واقع نمادی از رخنه این پرتو عظیم در مناطق دوردست است، به ویژه مراسم ماه محرم، نوشتار را به پایان می‌رسانیم.

کلیدواژه‌ها: اندونزی، شیعیان اندونزی، مرکز اسلامی جاکارتا، سادات اندونزی،

مسلمانان اندونزی.

مقدمه

در گذشته ورود کاروان‌های بازرگانی، عاملی برای اشاعه فرهنگ، آداب و سنن و مذهب مربوط به سرزمین مبدأ بود. این پیش‌زمینه در رشد و گسترش و تبادل افکار و اندیشه‌ها، حتی در نقاط دوردست مؤثر واقع می‌شد؛ زیرا حضور یک کاروان تجارتي در یک سرزمین، فقط حضور کالاها و اجناس گران‌قیمت را به دنبال نداشت، بلکه در آن افرادی با عنوان مبلغ مذهبی بودند که سعی در گسترش دین مخصوص به خود را داشتند.

اسلام به عنوان یک دین جهانی که از همان ابتدای ظهور در شبه‌جزیره عربستان و پذیرش ابتدایی توسط ساکنان شهرها، طوایف (قبیله‌ها) و مردم ساکن این شبه‌جزیره سعی در نشر و نمود و افزون خود داشت، خارج از این مقوله نبوده، این امر توسط مبلغان و یا دعوت‌کنندگان به این دین آسمانی صورت می‌گرفت. در دوره خلفای راشدین، تحت عنوان جهاد با کفار، در این زمینه سعی بلیغ می‌شده است؛ به‌خصوص در زمان خلیفه دوم (عمر)؛ اما با روی کار آمدن عباسیان و پذیرش این دین الهی در بسیاری از سرزمین‌های اطراف، به‌خصوص قبول آن توسط تعداد کثیری از مردم ایران، رشد آن به گونه‌ای دیگر به پیش رفت. خلفای میانی عباسی، مانند متوکل که از دشمنان شیعه بودند، سعی می‌کردند آثار و نشانه‌های این موج عظیم در سرزمین اسلامی، به‌خصوص شهرهای شیعه‌نشین را خنثی کنند؛ به نحوی که این امر موجب مهاجرت بسیاری از شیعیان به نقاط دوردست شد که شاید قرن‌های بعد، خود پایه‌گذار دولت‌های جدید شیعی شد. امروزه، شیعیان نه تنها در ایران و کشورهای همسایه، بلکه تا فرادست‌ترین نقاط آسیا و حتی در نواحی آفریقا و اروپا نفوذ کرده‌اند و این خود سرانجام یک دوره رنجش و سختی و آوارگی شیعیان است که با وجود مشقت‌های بی‌شمار، توانستند با برپایی و تأسیس سازمان‌ها و مراکز اسلامی بی‌شمار در سرزمین‌های مادر، به سال‌ها و شاید قرن‌ها سکوت خویش پایان دهند و به عنوان یک ستاره درخشان در عالم اسلام بدرخشند.

۱. مختصری از تاریخچه پیدایش شیعه در اندونزی

تاریخ‌نویسان درباره زمان دقیق ورود اسلام به اندونزی، نظر واحدی ندارند. برخی ورود اسلام به این جزایر جنوب شرقی آسیا را مقارن قرن اول هجری، یعنی سال ۳۰ هجری می‌دانند، که این نظر مستند به شواهد و دلایل متقن تاریخی نیست. در مقابل، گروهی از مورخان و تاریخنگاران با استناد به برخی شواهد و آثار تاریخی، از جمله سنگ قبرها و نوشته‌های موجود در برخی از مناطق این کشور، بر این عقیده‌اند که ورود و نشر اسلام در مجمع‌الجزایر اندونزی، از ابتدای سده چهارم صورت پذیرفته است. بنا بر اسناد (سنگ قبر، آثار قدیمی و باستانی)، جمعی از پژوهشگران برآورد تاریخ تشیع در اندونزی نیز همراه با ورود اسلام به این کشور، به قرون اولیه هجری بازمی‌گردد؛ برای نمونه بر روی توبی جنگی، عظیم و قدیمی در یک شهر باستانی به نام «بانتن» (Bannten)، جمله «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» نوشته شده است و روی سنگ قبر بعضی از بزرگان در شهر «آچه» (Aceh) مثل سیدحسام‌الدین حسینی (متوفای ۸۲۳ق)، سیدشریف‌الدین حسن بن علی استرآبادی (متوفای ۸۲۳ق) و امیر محمد بن عبدالقادر (متوفای ۸۸۲ق) جملات «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «علی ولی الله» و «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» نقش بسته است.

از آنجایی که انتشار اسلام و پیشرفت آن در اندونزی، توسط فرزندان پیامبر ﷺ انجام گرفت، لذا شگفتی ندارد که مردم این سرزمین محبت ویژه‌ای نسبت به خاندان نبوی ﷺ داشته باشند و به صورت تقدس‌آمیزی به آنان بنگرند؛ اما با گذشت زمان و در اثر جریان‌ها و تغییرات گوناگونی که در این کشور پیش آمد، شناخت مردم از اسلام حقیقی رو به کاهش نهاده، در نهایت، به دوری آنان از مذهب حق منجر شده است. عواملی از قبیل فشار و تسلط دولت استعمارگر هلند در سال‌های طولانی و بروز جنگ‌های مختلف داخلی از یک سو و عدم استمرار حرکت

مبلغان شیعه پس از منقرض شدن نسل پیشین از سوی دیگر و سرانجام ورود مذهب شافعی به عنوان مذهب برگزیده و مورد علاقه مردم منطقه، موجب شد مردم از مکتب راستین اسلام دور بمانند، ولی با وجود این عوامل، تشیع توانست نفوذ خود را در دل اکثر مسلمانان اندونزی گسترده سازد (www.hawzah.net).

قطع نظر از این مبحث تاریخی، از جمع‌بندی نظرهای مورخان، می‌توان چنین برداشت کرد که مذهب شیعه از راه‌های ذیل به این کشور راه یافته است: در دوره خلفای عباسی زمانی که حاکمان ستمگر آل عباسی بر خاندان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و شیعیان آنان انواع مظالم غیرانسانی را روا می‌داشته و عرصه را بر آن تنگ کرده بودند، تعدادی از سادات شیعی امامی که منتسب به خاندان اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) بودند و قصد داشتند از حجاز و سپس بغداد مهاجرت کنند، راهی شبه‌قاره هند و از آنجا عازم جنوب شرقی آسیا شدند که در میان آنها برخی از نوادگان احمد بن عیسی مهاجر برای دعوت مردم به اسلام، به بلاد مختلف این منطقه مهاجرت کردند.

شاید بتوان ورود کاروان‌های تجاری دریای ایران در قرن سوم هجری را بزرگ‌ترین واقعه اقتصادی و فرهنگی آن دوره خواند. در این زمان که نواحی اطراف تنگه ملان به صورت مراکز عمده بازرگانی در آمده بود، کشتی‌های تجاری ایران که حامل مبلغان شیعی مذهب نیز بودند، وارد ساحل این کشور شدند. افکار و اندیشه‌های شیعی و ایرانی از طریق همین بازرگانان و مبلغان در نواحی غربی سوماترا رواج یافت. در زمان پادشاهی اسلامی (پاجانگ) در جاوه مرکزی، نظریه (دکترین) شیعه توسط نور محمد و همچنین نظریه وحدت وجود در آچه توسط نخستین شاعر ملایی به نام «حمزه فنصوری» که به‌خوبی زبان فارسی را می‌دانست، گسترش یافت. بیشتر آثار حمزه فنصوری سرشار از شعر ایرانی است (زرین‌قلم، ۱۳۶۳، ص ۵۴).

شکل‌گیری دولت‌های اسلامی در این منطقه و نفوذ عالمان و تاجران ایران در

درباره‌های اسلامی اندونزی و کسب سمت‌های بالا سبب ترویج فرهنگ، ادب و هنر ایرانی و شیعی در اندونزی شد. نشانه‌های بسیاری از مشارکت تاریخی ایرانیان در شکل‌گیری کیان فرهنگی و اسلامی این سرزمین پیش از تهاجم استعماری اروپاییان به این منطقه موجود است. از گویاترین نشانه‌های حضور واژه‌های فارسی در فرهنگ و ادب مالایی، می‌توان به حکایت «راجا راجا پارسی»، «سلالة السلاطین» یا «سجاره ملایو»، «تاج السلاطین» یا «بستان السلاطین» از آثار فرهنگی قرن هجدهم میلادی این کشور، اشاره کرد.

ابن بطوطه جهانگرد مراکشی سده هفتم هجری، در سفرنامه خود از ایرانیان برجسته‌ای چون امیر سید شیرازی، تاج‌الدین اصفهانی و دریاسالاری به نام بهروز یاد کرده است که در آن زمان در جاوه و سوماترای شمالی زندگی می‌کردند. بر اساس تاریخ مالایو، «سلطان علاءالدین رعایت‌شاه» پادشاه مالاکا که شیعه‌مذهب بود، تفکر شیعه را تبلیغ و چندین حوزه علمیه در این منطقه بنا کرده است. وی که به «شیخ بزرگ» و «شیخ برهان‌الدین توانگر» نیز معروف بود، توانست «سینانگ کابائو» را مسلمان کند. این پادشاه پس از مسلمان‌شدن نام جدید «سلطان محمد الیف» را انتخاب کرد و اسلام در سرتاسر این منطقه گسترش یافت.

اغلب پادشاهان آچه شیعه بودند و از تبلیغ اسلام در سینانگ کابائو حمایت می‌کردند. نخستین دانشگاه اسلامی در شهر «باریآمان» توسط شیخ برهان‌الدین (شیخ بزرگ) ساخته شد و بعضی از استادان آن از کشورهای خارجی می‌آمدند و در این دانشگاه تدریس می‌کردند.

این نظریه در میان مورخان نیز وجود دارد که عقاید شیعه توسط ارتش فاطمی مصر که به مدت دوپست سال (۱۱۲۸-۱۳۳۹م) در «سینانگ کابائو» حضور داشتند، ترویج شد.

در ابتدای قرن نوزدهم، پادشاهی اسلامی - شیعی (سینانگ) کابائو به اندازه کافی ثروتمند بود و با پادشاهی آچه روابط نزدیکی داشت. این حکومت شیعی‌مذهب در جنگ «پادری» شکست خورد و مردم آن منطقه به مرور زمان به مذهب شافعی روی آوردند. رویداد تاریخی دیگری که موجب نفوذ و گسترش فرهنگ و سنت‌های مذهبی شیعه در میان مردم اندونزی شد، حضور سربازان هندی‌مذهبی بود که توسط نیروهای انگلیسی به دو جزیره جاوه و سوماترا آورده شدند؛ آن هم در زمانی که «سیر رافلز» بین سال‌های ۱۸۱۱-۱۸۱۶ در این مناطق حضور داشت.

پروفسور حسین، ملقب به «جایا دنیبرات» استاد دانشگاه و مورخ نامدار اندونزی، می‌گوید: «اسلام به دست شیعه امامیه وارد اندونزی شد که آثار آن تا کنون در این کشور باقی مانده است» (ربانی، ۱۳۷۳، ص ۵). استاد محمد اسد شهاب پژوهشگر و نویسنده شیعی‌مذهب شهید اندونزی در کتاب تاریخ شیعه در اندونزی به ذکر مراحل سه‌گانه تاریخ شیعه در این کشور می‌پردازد. او معتقد است مرحله اول از تاریخ شیعه با ورود مبلغان شیعه به این سرزمین در سده سوم هجری شروع شد و با حضور استعماری هلند در اواخر قرن دهم هجری پایان یافت (شهاب، ۱۳۸۴، ص ۲۱). وی از این مرحله به عنوان دوران شکوه و عظمت شیعه در این سرزمین یاد می‌کند؛ دورانی که جامعه شیعه، جایگاه استوار و موجودیت پایداری داشت. به اعتقاد وی، مرحله دوم تاریخ شیعه در اندونزی از آغاز قرن یازدهم هجری، شروع می‌شود و اواخر دهه سوم قرن چهاردهم به پایان می‌رسد. در این مرحله شیعیان به دلیل پایداری در برابر استعمارگران هلند، با انواع شکنجه و آزارها مواجه شدند. این آزارها سبب پراکنده شدن شیعیان، تغییر مذهب و از میان رفتن بسیاری از کتاب‌ها و میراث‌های تاریخی شیعه شد. استاد اسد شهاب در تشریح مرحله سوم تاریخ شیعه در اندونزی، بر این باور است که این مرحله، از اوایل قرن چهاردهم هجری ادامه یافت. این مرحله که چهارده سال قبل از وقوع جنگ جهانی اول و همزمان با نهضت

اسلامی سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود، روزنه تاریخی تازه‌ای برای تجدید حیات شیعه در کشور پدید آورد. بزرگانی از این مذهب، همانند سید محمد بن احمد بن محضار، علی بن احمد شهاب، ابومرتضی بن شهاب، طه بن احمد حداد، احمد بن شهاب، محمد عیدید، سید بن حسین ابن سهل و شخصیت‌های دیگر توانستند با مراکز شیعی ارتباط برقرار کنند و از راه سخنرانی و نشر کتاب، در تجدید حیات مذهب شیعه همت گمارند (ربانی، ۱۳۷۳، ص ۶-۸).

از جمله برجسته‌ترین رجال و شخصیت‌های شیعه این سرزمین در ایام پیش از سلطه استعمار هلند می‌توان به این افراد اشاره کرد:

۱. مولانا ابراهیم، مشهور به مولانا ملک (م ۸۲۲ ق). وی در جاوه غربی یکی از اقطاب شیعه و دعاة مسلمین این کشور بوده است.

۲. مولانا هدایت‌الله، متوفای شهر چریبون در جاوه شرقی. پدر وی عبدالله، در کامبوج، از دنیا رفت.

۳. مولانا حسن‌الدین (م ۹۵۹ ق) در شهر بانتن در جاوه شرقی حضور داشته است.

۴. مولانا زین‌العابدین، متوفای شهر دماک در جاوه مرکزی است.

۵. مولانا محمد، ملقب به عین‌الیقین، متوفای جاوه شرقی که خاندان او، همه شیعه امامیه و منسوب به «ابن عیسی بن الحسین بن الامام بطل‌الابطال علی بن ابی طالب (علیه السلام)» بوده‌اند (ربانی، ۱۳۷۳، ص ۷). بر قبور تمامی اینان بعد از بسمله و آیاتی از قرآن مجید، کلمات الله، محمد و علی نوشته شده است؛ در ضمن عبدالله نامی که نوه المستنصر، خلیفه عباسی بود، به دنبال هجوم مغول به بغداد، از این شهر گریخت و در اندونزی به شیعیان این سرزمین پناهنده شد. قبر وی امروزه در شمال سوماترا هنوز برجاست.

امروزه شباهت‌های کم و بیش محسوسی میان برخی خصوصیات شیوه نوین تعلیمات دینی و مذهبی که توسط جمعیت‌های اسلامی خصوصی نظیر «محمدیه»

ارائه می‌شوند، با محافل دراویش ایران و ترکیه وجود دارد. شاید این شباهت‌ها دست کم تا حدودی، ناشی از آن بوده باشد که نخستین گروه طلاب مسلمان و شیعه این سرزمین، در سال‌های اوایل قرن جاری، عازم ترکیه شده بودند (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۳۵۴).

۲. تقسیم‌بندی شیعیان اندونزی

در کتاب‌شناسی فرهنگی اندونزی، در تبیین شناسنامه فرهنگی این کشور آمده است: شیعیان اندونزی را می‌توان به دو گروه شیعیان قدیم و شیعیان جدید تقسیم‌بندی کرد (ربانی، همان، ص ۴۱). گروه اول را عمدتاً سادات تشکیل می‌دهند که علی‌رغم گذشت زمان و تغییر مذهب، بخش عمده‌ای از این گروه، هنوز هم خود را شیعه امامیه دانسته، انتساب خود به اهل‌بیت علیهم‌السلام را موجب شرافت و افتخاری بزرگ برای خود می‌دانند. گروه دوم آن گروه از شیعیان هستند که اکثر قریب به اتفاق آنها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مذهب شیعه روی آورده‌اند. این گروه که جمعیتی بین پنجاه تا هشتاد هزار نفر را تشکیل می‌دهند، امروزه در نواحی و مناطق مختلف اندونزی، از جمله جاکارتا، سولاوی، باندونگ و برخی مناطق دیگر پراکنده هستند و از جایگاه و موقعیت اجتماعی مناسبی نیز نسبت به دیگر همکیشان خود در کشورهای تایلند و مالزی برخوردار می‌باشند.

امروزه مذهب شیعه در میان اندیشمندان، دانشگاهیان، تجار و اقشار مختلف این کشور، اعم از عرب و غیرعرب، سید و غیرسید، پیروانی دارد و اقلیت شیعه در اندونزی با بهره‌گیری از معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و تکیه بر وحدت اسلامی توانسته‌اند زندگی مسالمت‌آمیزی با برادران شافعی‌مذهب خود در این کشور داشته باشند و از وجهه و اعتبار مناسبی نیز برخوردار گردند (ربانی، ۱۳۷۳، ص ۴۱).

۳. تعداد شیعیان اندونزی

آمارهای غیررسمی، حاکی از آن است که جمعیت شیعه در اندونزی، در حال حاضر بیش از ده میلیون نفر است که نیمی از آنها را شیعیان کاملاً اعتقادی تشکیل می‌دهند؛ یعنی از نظر اعتقادی مانند یک شیعه ایرانی هستند. به‌علاوه گرایش به شیعه روز به روز در حال افزایش است؛ تا جایی که نفوذ شیعه در بخش‌های اقتصادی و سیاسی کشور، کاملاً محسوس است (جهانتاب، ۱۳۸۲، ص ۱۲-۱۳). هم‌اکنون جمعی از سادات اندونزی، شیعه‌مذهب‌اند و بسیاری از جمعیت نزدیک به پنجاه هزار نفری شیعه اندونزی را سادات تشکیل می‌دهند.

۴. جنبش‌های اسلامی - شیعی اندونزی

اسلام پیش از قرن سیزدهم میلادی، در جزایر جاوه و سوماترا و دیگر نقاطی که امروز اندونزی نامیده می‌شود، رواج یافت. پرتغالی‌ها از قرن پانزدهم میلادی سلطه خود را در این جزایر گستراندند، ولی هلندی‌ها توانستند در اواخر قرن هفدهم اندونزی را تصرف کنند و تا حدود سه قرن و نیم، بر استیلای استعماری خود ادامه دهند. گرچه مدت کوتاهی استعمار انگلیس جایگزین سلطه هلند شد، ولی از سال ۱۸۱۶ بار دیگر هلندی‌ها توانستند سلطه خود را بر این کشور از نو سر بگیرند. هلندی‌ها در طول سلطه خود بر اندونزی، سعی داشتند بین فرهنگ اسلام و عادات و رسوم بومی، برای راه‌اندازی جنگ بین مسلمانان و اقوام دیگر تفرقه‌افکنی کنند؛ در واقع با پیشرفت سریع اسلام که طی آن اکثر مردم اندونزی مسلمان شدند، سیاست ایجاد تفرقه در میان مسلمانان، سرلوحه برنامه‌های استعماری هلندی‌ها قرار گرفت و این در حالی بود که همه تلاش‌های هلندی‌ها برای اشاعه مسیحیت برای دور کردن مردم از اسلام، بارها به شکست انجامیده بود. ارتباط جامعه مسلمانان اندونزی با جهان اسلام که از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی آغاز شده بود و در قرن نوزدهم با گسترش نهضت‌های اسلامی و تجدید

حیات‌های دینی در کشورهای اسلامی شدت یافته بود. زمینه پیدایش نهضت‌های اسلامی را در اندونزی فراهم آورد و در کنار موج اصلاح‌طلبی و آزادی‌خواهی که توسط روشنفکران و متجددین و ملی‌گرایان پیروی تمدن غرب در این کشور به وجود آمده بود، شکل‌گیری جنبشی را برای احیای تفکر اسلامی نوین نوید می‌داد. اما با توجه به وضع جغرافیایی اندونزی که از جزایر بزرگ و کوچکی بالغ بر ۱۳۶۰۰ جزیره تشکیل یافته است و عمده‌ترین آنها جزیره سوماترا، جاوه، برنئو، سلبس، گینه نو، سوندا و ملوک می‌باشد، شکل‌گیری هر نوع جنبش اسلامی، می‌توانست در راستای یکی از دو هدف زیر انجام بگیرد: یا به صورت محلی و با هدف تجزیه، و یا به طور یکپارچه و فراگیر به منظور طرد استعمار از سراسر اندونزی.

استعمار هلند، همانند سایر استعمارگران در کشورهای اسلامی، مردم و کشور اندونزی را در ضعف و عقب‌ماندگی نگه‌داشته بود و هر نوع حرکت منتهی به آگاهی مردم را خطری بزرگ برای حفظ منافع خود تلقی می‌کرد (زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۳۰۴). با وجود این، ندای استقلال‌طلبی را که خروش فطرت هر انسان اسیر است، هرگز نمی‌توان برای همیشه خاموش کرد. دیر یا زود این خروش از نهاد ملت‌های در بند استعمار سر می‌زند و چون سیلی بنیان‌کن سد استعمار را با تمامی خار و خاشاکش از سر راه می‌زداید و راه زندگی ملت‌های استعمارزده را به سوی آزادی و استقلال باز می‌کند (ریمون، ۱۳۶۴، ص ۴۲).

در اوایل قرن نوزدهم، قیام «البدری» که به نهضت علمای دین شهرت داشت، به رهبری یکی از علمای اندونزی به نام باندزول - که به وی لقب امام داده بودند - آغاز شد و مسلمانان را به مقاومت در برابر استعمارگران دعوت نمود (زنجانی، همان، ص ۳۰۵). هدف اصلی این قیام، اخراج اشغالگران هلندی از سرزمین اسلامی اندونزی و کسب استقلال سیاسی بود. در همین راستا جنبش دیگری به نام «سحایون» به رهبری عالمی آگاه و مبارز، به نام شیخ مصطفی سحاب شکل گرفت و در اندک مدتی

از نفوذ و محبوبیتی فراگیر برخوردار شد و در میان اقشار مختلف جامعه اسلامی اندونزی، پایگاهی مردمی یافت (البلاذری، ۱۳۹۸، ص ۶۳). سرانجام نهضت مسلمانان آچه در جزیره سوماترا که رهبری آن را یکی از علمای طراز اول آن منطقه بر عهده داشت، مبارزه سیاسی را به مقاومت مسلحانه کشاند. رهبر این قیام مسلحانه، «علامه تبخکوسک دی تیرو» با تشکیل گروه‌های چریکی، به پیکار با اشغالگران همت گماشت و توانست استعمارگران هلندی را از این منطقه بیرون براند و قدرت سیاسی را در آچه به دست گیرد.

حزب مسجومی (شورای مشورتی مسلمانان اندونزی) که به نام رهبر و بنیانگذارش نامیده شده است، یکی از قوی‌ترین سازمان‌های سیاسی اندونزی است که توسط مسلمانان تأسیس شد و در استقلال اندونزی نقش مؤثری ایفا نمود (ابن ماجه، ۱۳۹۵/ق ۱۹۷۵/م، ص ۱۰۱). هدف این حزب، تأسیس دولت اسلامی در اندونزی بر اساس اسلامی مدرن و میانه‌رو بود؛ ضمن آنکه عناصر مسلمان متمایل به فرهنگ و اندیشه‌های غربی، در این حزب از نفوذ بسیاری برخوردار بودند و در دولت ائتلافی نیز اکثریت را به دست آوردند، و سرانجام در مبارزات سیاسی علیه سوکارنو، این حزب منحل اعلام شد.

سازمان اسلامی «اعمال نیک» که در سال ۱۹۰۵ تأسیس شد و بعدها توسط یک عامل سودانی‌الاصل به نام احمد بن محمد سورکانی انصاری متوفای ۱۹۴۳ میلادی گسترش یافت، از نخستین حرکت‌های اسلامی منسجمی است که ایجاد مراکز تعلیم نوین اسلامی را سرلوحه برنامه‌های اسلامی خود قرار داد و از طریق تعلیم اصول و فروع اسلام و تعالیم دینی، به همراه علوم جدید، تلاش گسترده‌ای در احیای تفکر دینی و بیداری مسلمانان مبذول نمود. این نهضت که بیشترین فعالیتش بر محور مسائل اجتماعی و فرهنگی دور می‌زد، به سهم خود در صحنه سیاسی کشور، نقش مثبتی دنبال می‌نمود که در جریان استقلال اندونزی، تأثیر بسزایی داشت.

تأسیس سازمان فرهنگی - سیاسی «پارتی (حزب) شرکت اندونزی» در سال ۱۹۱۱ توسط یکی از رهبران مسلمان اندونزی، به نام سمنهوری که پس از یک سال به حزبی سیاسی و فعال تبدیل شد، قدم دیگری بود که ابتدا به صورت محلی و به تدریج در سراسر اندونزی به منظور متمرکز کردن فعالیت‌های اسلامی و ایجاد وحدت میان مسلمانان برداشته شد. از آنجا که این حزب در جهت رسیدن به وحدت مطلوب اسلامی، همزیستی بین مذاهب را مورد تشویق قرار می‌داد، عناصر فرصت‌طلب سیاسی با نفوذ در ارکان این حزب سیاسی، آن را از هدف اصلی ضد استعماری بودن منحرف کردند و این سازمان اسلامی را به مرکزی برای کسب قدرت و امتیازات مادی مبدل ساختند. به این ترتیب، حزب شرکت اسلام (ساریکات اسلام) پایگاه مردمی‌اش را از دست داد و به صورت یک سازمان سیاسی در آمد و ماهیت و جاذبه اسلامی آن به تدریج از میان رفت و سازمان‌های جدید اسلامی، جایگزین آن شدند.

در جنگ جهانی اول، اندونزی یک مستعمره کاملاً وابسته به هلند محسوب می‌شد و هدف کلی در اداره کشور، تأمین منافع هلندی‌ها و حفظ پایگاه استعماری هلند بود. در چنین شرایطی، حزب سیاسی مسجومی که عمدتاً از هواداران مسلمان تشکیل می‌شد، دچار انشعاب شد، و بر اثر این انشعاب، سازمان نهضت‌العلماء در سال ۱۹۲۶ شکل گرفت. این جمعیت که به طور سنتی خواهان اصلاح و تجدید حیات اسلام بود، با شیوه‌های تبلیغی و تعلیمی، سعی داشت از طریق بالابردن سطح آگاهی‌های اسلامی و ترویج اندیشه‌های سیاسی اسلام، روح مقاومت در برابر سلطه خارجی را در میان مسلمانان اندونزی تقویت کند و آن را گسترش دهد. از جمله ویژگی‌های این جمعیت، غرب‌ستیزی و اصول‌گرایی متعبدانه آن بود.

سازمان تعالیم اسلامی نیز که نخست با اهداف فرهنگی در سال ۱۹۳۰ به وجود آمده بود، تحت شرایط سلطه استعماری هلند به حزب سیاسی تبدیل شد و با نام

حزب فرهنگ اسلامی، حرکت جدیدی در زمینه احیای تفکر اسلامی به وجود آورد و با این اندیشه که تعلیم و اشاعه مبانی اندیشه‌های اسلام در شرایط اختناق، مؤثرترین، نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راه نهضت دینی برای تجدید قدرت سیاسی اسلام محسوب می‌شود، قدم‌های مؤثری در رشد تفکر ضداستعماری در اندونزی برداشت.

حزب دارالاسلام در سال ۱۹۳۹ با هدف سیاسی کسب استقلال به وجود آمد و با تکیه بر این واقعیت که رشد اسلام در اندونزی، کشور را به صورت دارالاسلام درآورده است و با اسلامی‌شدن کشور، باید حاکمیت اسلام در آن استقرار یابد و برای کسب استقلال، گام اول با بیرون آمدن از سلطه بیگانه و حکومت غیراسلامی برداشته می‌شود، مبارزه سازمان‌یافته‌ای برای نیل به استقلال آغاز کرد (ابن‌العبری، ۱۳۶۴، ص ۹۱). این حزب پس از استقلال اندونزی در سال ۱۹۴۵ نیز برای برپایی حکومت اسلامی در این کشور مبارزه می‌کرد و آن را تنها راه رسیدن به حاکمیت اسلام در اندونزی می‌دانست. حزب دارالاسلام از مهم‌ترین احزاب سیاسی اندونزی است و در مبارزات ملت اندونزی برای کسب استقلال، نقش بسزایی داشته است (Williams, 1976, p.5).

در سال ۱۹۴۵ در میانگ کابو، حزب «طریقه اسلام» تشکیل شد و برقراری حکومت اسلامی در اندونزی را هدف خود قرار داد و در این راه به مبارزات سیاسی دامنه‌داری دست یازید و سرانجام در جریان مبارزاتی که حزب با رژیم سوکارنو داشت، رهبر آن اعدام شد و خود حزب منحل گشت.

با وجود احزاب اسلامی متعددی که نمونه‌هایی از آن ذکر شد، هرکدام در اندونزی، حرکت و جنبش اسلامی را به سهم خود گسترشی عمیق بخشیدند؛ با این حال هیچ‌کدام به اندازه سازمان سیاسی اجتماعی محمدیه، نتوانست فراگیر و موفق و مداوم باشد. این سازمان که پس از شکست حزب «شرکت اسلام» در سال ۱۹۱۲ به وجود آمد، مانند اصلاح‌طلبان نوگرای مصر، تفسیر و تطبیق نوین مفاهیم اسلامی را

بر اساس تحولات جدید و شرایط زمان، امری ضروری و لازمه تجدید حیات دینی در قرن بیستم می‌شمرد (Tilly, 1981, p.22-23).

رهبر جنبش محمدیه که کیانی حاجی احمد دهلان نام داشت، امکان عملی کردن اسلام را در عصر نوین، منوط به اجتهاد جدید و تجدید نظر در مسائل اسلامی می‌دانست. او معتقد بود اسلام را باید بر مبنای قرآن و سنت تفسیر و توجیه کرد؛ اما در این تفسیر و توجیه باید شرایط زمان و مقتضیات ناشی از تحولات زندگی اجتماعی را از نظر دور نداشت. به عقیده این سازمان، از آنجا که بیشترین پیرایه‌ها و مسائلی که به نام اسلام در طول قرن‌ها استنباط شد، و هم‌اکنون با تحولات و مقتضیات زمان ناسازگار و ناهمگون شده و مانع بزرگی بر سر راه انطباق زندگی نوین با اسلام تلقی گشته است، همان دسته مسائلی است که از منابعی به جز قرآن و سنت به دست آمده است، برای پالایش این‌گونه پیرایه‌ها، چاره‌ای جز بازگشت به قرآن و سنت که مبین اسلام ناب محمدی است، نیست.

جنبش محمدیه، مانند همه جنبش‌های مشابه، حرکت خود را از آموزش و تأسیس مراکز تعلیم و تربیت آغاز کرد و برای مقابله با موج تبلیغی مسیحیان و هندیان، دست به تأسیس یک سلسله مراکز خیریه و عام‌المنفعه زد، و شعبات خود را در سراسر اندونزی گسترش داد؛ به طوری که در سال نخست جنگ جهانی دوم، سازمان دارای بیش از نهصد شعبه بود که در سراسر اندونزی به صورت تشکیلاتی فعالیت می‌کردند و با وجود اینکه محور اصلی اکثر فعالیت‌های سازمان، اجتماعی و فرهنگی بود، ولی به طور غیرمستقیم، اعضا و هواداران سازمان که در میان آنها از همه اقشار مسلمان کشور دیده می‌شدند، در اوضاع سیاسی کشور نقش مؤثری ایفا می‌کردند و سازمان به صورت یک اهرم فشار عمل می‌نمود.

از اواسط جنگ جهانی دوم تا آخر جنگ، اندونزی به اشغال نیروهای ژاپن درآمد و پس از پایان جنگ و تسلیم ژاپن، سلاح‌های ارتش ژاپن به دست میلیون افتاد که از

دو گروه اسلامی و کمونیست‌ها تشکیل می‌شدند. سوکارنو به عنوان چهره ملی و میانه‌رو، رهبری ملیون را به دست گرفت و در سال ۱۹۴۵ اعلان استقلال کرد، و در همان سال، قانون اساسی اندونزی بر اساس تز دموکراسی ارشادشده سوکارنو تدوین شد، و بدین ترتیب همه تلاش‌های جنبش‌های اسلامی و آرمان‌های یکصد و پنجاه میلیونی مردم اندونزی که نود درصد آنها مسلمان بودند، در مسلخ افکار ملی‌گرای غرب‌زده قربانی شد.

با تحولات اخیر در نهضت جهانی اسلام، به‌ویژه پس از تجربه بزرگ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گروه‌های فعال اندونزی، پرچم جنبش اسلامی را بر دوش کشیدند و علی‌رغم سیاست سرکوبگرانه رژیم سوهارتو و توطئه‌های امریکای جهان‌خوار و عوامل سرسپرده آل سعود، برای اعاده استقلال کامل و استقرار حکومت اسلامی مبارزه می‌کنند که از آن جمله می‌توان گروه «جهاد»، گروه «طومار» و گروه «طومار پنجاه» را نام برد (اقبال لاهوری، ۱۳۵۶، ص ۴۰۲).

۵. حضور گسترده سادات در اندونزی

در دوران خلفای عباسی، هنگامی که عرصه بر شیعیان، به‌ویژه فرزندان و نوادگان اهل بیت علیهم‌السلام تنگ شد و انواع ظلم‌ها و ستم‌ها بر آنها وارد گشت، بسیاری از سادات در جستجوی مکانی امن، به دیگر سرزمین‌ها مهاجرت کردند. در میان این گروه، برخی از نوادگان امام جعفر صادق علیه‌السلام به چشم می‌خورند که از مسیر هندوستان و از طریق کشتی وارد جزایر اندونزی شدند. اینان فرزندان محمد بن علی العریضی ابن امام جعفر صادق علیه‌السلام بودند که در رأس آنها احمد بن عیسی، فرزند محمد بن علی العریضی بن جعفر الصادق قرار داشت؛ از این‌رو به احمد بن عیسی لقب مهاجر دادند و به احمد بن عیسی مهاجر ملقب شد. استاد اسد شهاب، محقق شهیر اندونزیایی سلسله نسب وی را چنین نقل می‌کند (شهاب، ۱۳۸۵، ص ۲۷).

فرزندان و نوادگان احمد مهاجر که نزد ساکنان اندونزی از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بودند، به نقاط مختلف اندونزی مهاجرت کردند و به تبلیغ و نشر اسلام پرداختند. هر چند بخش عمده‌ای از سادات اندونزی به مرور زمان و به دلیل آمیختن با دیگر اقوام، تغییر مذهب داده‌اند، ولی امروزه هم در اندونزی و هم در سراسر کشورهای جنوب شرقی آسیا، از جمله سنگاپور، بروئی و فیلیپین - که سادات هم در گذشته و هم در عصر حاضر، نقش فعالی در صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی آن بر عهده داشته‌اند - خود را منتسب به خاندان عصمت و طهارت دانسته، بر آن افتخار می‌کنند.

جامعه اعراب اندونزی، بر مبنای نسل خود به دو دسته سید و غیرسید تقسیم شدند. سیدها که از فرزندان احمد بن عیسی المهاجر بن محمد بن علی العریضی بن جعفر بن محمد الصادق علیه السلام بودند، به دلیل انتسابشان به پیامبر صلی الله علیه و آله نزد جامعه اندونزی از شرافت و موقعیت بالایی برخوردار بودند (مصطفی، ۱۳۸۰، ص ۴۵). مردم سادات را چون قدیسان می‌پنداشتند و عزت و ارادتی که به اهل بیت علیهم السلام داشتند، باعث شده بود پس از مرگ این سادات، قبور آنها در تمام سال محل زیارت مردم علاقه‌مند باشد. سالی یک بار هم اجتماعی به نام «هول» یعنی سالگرد وفات، در مجاورت بسیاری از این قبور برپا می‌شد. نکته قابل توجه دیگر اینکه: در آچه واقع در جزیره سوماترای اندونزی، بسیاری از مدعیان سلطنت، ساداتی از نوادگان امام حسین علیه السلام بودند. معروف‌ترین آنان شخصی به نام سیدجمال بود که پس از خلع از سلطنت، مدت درازی در برابر سلاطین بعدی، از جمله احمد و پسرش جهان‌شاه مقاومت کرد (مصطفی، ۱۳۸۰، ص ۴۵).

سازمانی با عنوان «سازمان علویین» در اندونزی مسئولیت زاد و ولد سادات و شجرنامه‌های آنان را بر عهده دارد. سادات اندونزی به دلیل بهره‌گیری از موقعیت ممتاز اجتماعی، همواره مورد رشک گروه غیرسید بوده‌اند. گروه مقابل، با اعتراض

نسبت به برخی سنت‌های جاری در میان سادات، همانند عدم ازدواج با غیرسید، قائل بودن به شرافت و برتری نسبی نسبت به دیگر افراد جامعه، سوء استفاده از انگیزه‌های مذهبی مردم در جلب منافع مادی و جمع‌آوری اموال و املاک بسیار از این ناحیه، مقید کردن مردم به دست‌بوسی آنان به هنگام ملاقات و دیدار آنان به عنوان یک سنت، از سازمان جامعه عرب اندونزی که در اوایل قرن هجده و با هدف متحد کردن اعراب اندونزی و متشکل کردن فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و آموزشی آنان شکل گرفت، کناره جستند و خود اقدام به تأسیس دو سازمان، با عنوان «الارشاد» و «البینات» کردند.

اعراب مهاجر به‌ویژه سادات اندونزی، در شکل‌گیری سازمان‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی اندونزی، همانند نهضت العلماء و محمدیه که در اواخر قرن هجده تأسیس شده است و هم‌اکنون نیز جزو دو سازمان اسلامی عمده اندونزی به شمار می‌آیند، نقش اساسی بر عهده داشتند (نوئو، ۱۳۷۷، ص ۵۷).

۶. بررسی آداب و سنن مخصوص شیعیان اندونزی

یکی از سنت‌های رایج در اندونزی که از قدیم در میان جامعه اندونزی وجود داشته است و از اندیشه‌های ایرانی و شیعی متأثر بوده، مراثی است که در نقاط مختلف این کشور، طی دهه اول ماه محرم، به‌ویژه روز عاشورا برپا می‌گردد. برخی دیگر از سنت‌ها، همانند مراسم مربوط به تولد بچه و یا برگزاری هفتم، چهلم و...، احترام فراوان به علما و بزرگان دین و مقدس‌شمردن قبور آنها، مراسم نیمه شعبان، علم دپوس که حالت خاص فردی است که در اوج آن، خود را به خنجر زخمی می‌کند، همچنین وجود سلسله مراتب در میان رهبران مذهبی که فرد خود را سونان، کیائی و آلونگ (آخوند) می‌نامد، همه متأثر از فرهنگ و سنت‌های ایرانی است که یا مستقیماً توسط خود ایرانی‌ها و یا از طریق شیعیان جنوب هند، وارد این کشور شده است (ربانی، ۱۳۷۳، ص ۸۱-۸۳).

۱-۶. مراسم ماه محرم

از سنت‌ها و مراسم رایج و دیرپا در میان جامعه مسلمانان اندونزی که دارای ریشه‌های شیعی و ایرانی است، مراسمی است که در نقاط مختلف این کشور، طی دهه اول ماه محرم به‌ویژه روز عاشورا برپا می‌شود. هر چند مراسم و سنت‌های فعلی ماه محرم در اندونزی از شکل اهلی آن خارج شده و با سنت‌های ملی درآمیخته است. ولی باز هم از عشق و محبت عمیق مردم این منطقه به خاندان عصمت و طهارت و میزان نفوذ فرهنگ شیعی ایرانی در این سرزمین حکایت می‌کند. در مناطقی چون «پاری مان» در غرب سوماترا، «بنگلور» و «پی دی» در آچه، «گرهیک» و «بانیوانگی» و چند منطقه دیگر در جاوه، مراسم مختلفی در ماه محرم برگزار می‌شود. در جزیره سوماترا به عزای حسینی «تابوت» و در جزیره جاوه به ماه محرم «ماه سورا» (عاشورا) و در منطقه آچه در سوماترا، ماه حسن و حسین علیهما السلام در غرب سوماترا نیز مردم «پاوانگ» و در منطقه سیانگ کابانو، ماه تابوئیک (تابوت) می‌گویند.

ذکر شهادت و خاطره مظلومیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در این مناطق، با برپایی مراسمی در قالب نمادهایی چون «تابوت» براق یا ذوالجناح و همچنین پخش گونه‌های مختلف غذاست. در این دهه، ازدواجی صورت نمی‌گیرد. وظایف مهم به تعویق می‌افتد و حتی کشاورزان به کاشت مزارع خود نمی‌پردازند.

در «پی دی»، واقع در ایالت آچه، هندی‌های کلینگ‌تبار جنوب هند، همراه با مردم محلی، تابوت (شبییه مقبره) را می‌سازند. مدل کوچک مقبره امام حسین علیه السلام در روز دهم محرم، بر دوش اهالی در سراسر خیابان‌ها گردانیده می‌شود و هنگام عصر، به دریا انداخته می‌شود.

در بنگ کولو و پاری مان، مراسم عزاداری تابوت توسط سربازان مسلمان جنوب هند که سپاهیان نامیده می‌شوند، در نیمه اول قرن نوزدهم وارد شده است (حسن‌زاده،

۱۳۷۹، ص ۳۱). این افراد در زمان استعمار جاوه و سوماترا به دست انگلیسی‌ها، وارد این منطقه شدند. گفته شده است اگرچه سربازان از جنوب آمدند، اما آنها شیعه و احتمالاً عراقی و اهل کربلا بودند. اوج مراسم محرم در «پاری مان» در روز عاشورا است که در ناحیه مرکزی و باداشهر برگزار می‌شود. شروع این مراسم در این منطقه، در اول محرم از طریق گرفتن مقداری گل از رودخانه در نیمه‌شب، شروع می‌شود. این گل در ظرفی که با پارچه‌ای سفید پوشیده شده است، در تابوت و کفنی که تقریباً نه متر مربع است، قرار می‌گیرد. این تابوت که نماد قبر امام حسین علیه السلام است، برای نمایاندن شجاعت و شهادت آن حضرت، با پارچه سفید پوشیده می‌شود. در پنجمین روز ماه محرم، ساقه درخت موزی از باغی بریده می‌شود. این ساقه باید تنها با یک ضربه شمشیر تیز بریده شود. این عمل نشانه‌ای از شجاعت حضرت قاسم در واقعه کربلاست. در هفتمین روز محرم در ساعت ۱۲ بعدازظهر، نمادی از دست امام حسین علیه السلام که در گلدان قرار داده شده است، در خیابان‌ها گردانیده می‌شود و مردم به یاد حادثه غم‌انگیز و جانسوز کربلا، گریه و زاری می‌کنند. در صبح نهم محرم، عمامه‌ای سفید که «توران» خوانده می‌شود، به نشانه عمامه امام حسین علیه السلام تهیه می‌شود و طی مراسمی، خاطرات و فداکاری‌های امام حسین علیه السلام ذکر می‌شود. در روز دهم محرم، مراسم «تابوت» به اوج خود می‌رسد. شرکت‌کنندگان این مراسم، با تقسیم شدن به دو گروه، خیابان‌های مختلف را طی می‌کنند و در غروب آن روز، گروه‌های عزادار به صورت دسته‌های منظم به کنار ساحل «پاری مان» می‌روند و تا پایان این مراسم و مرگ ذوالجناح، در آسمان، در کنار ساحل می‌مانند (چلکوفسکی، ۱۳۷۳، ص ۲۴).

گفتنی است مردم شهرهای مختلف جاوه و سوماترا، غذای مخصوصی آماده می‌کنند که در جاوه «بوبراسورا»، یعنی حلیم عاشورا نامیده می‌شود (اقبال، اکتبر ۱۹۹۶، ص ۵).

در آنچه، این غذا «کانجی عاشورا»، یعنی غذای عاشورا خوانده می‌شود و از گندم، شیر، شکر، حبوبات و برخی میوه‌ها همانند انبه، انار و موز تهیه می‌شود (ربانی، ۱۳۷۳، ص ۹-۱۰).

اما در مورد «تابوتیک» باید گفت: یکی از جالب‌ترین سنن فولکلوریک مردم «پاری مان» است که در این برنامه‌ها اسطوره‌های کربلا به شکل‌های گوناگون، از جمله تعزیه‌خوانی، سرودخوانی، شمایل‌گردانی، شعر و داستان و... در زوایای مختلف به جوانان و نوجوانان معرفی می‌گردد. تابوتیک از همان مراسم تابوت که ذکر شد، گرفته شده است.

۷. آثار پیروزی انقلاب اسلامی و فرهنگ ایرانی بر زندگی شیعیان اندونزی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همهٔ مسلمانان اندونزی را واداشت به تحولی نوین دربارهٔ نحوه زندگی و تفکر خود رو آورند. در میان طبقات مختلف جامعهٔ این کشور، قشر تحصیل‌کرده و دانشگاهی آن بیش از پیش از نعمت انقلاب بهره‌جسته و می‌برند. آنان چه در دانشگاه و چه در حوزه‌های علوم اسلامی، توانستند با معیار قراردادن انقلاب اسلامی، اسلام راستین را از اسلام برساختهٔ ابرقدرت‌ها بازشناسند و با ارزیابی خود هر کدام را جدا از هم مورد بررسی و کاوش قرار دهند (دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۶۸، ص ۴۲۳).

در دوره اخیر و به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشیع حیات مجدد یافته است و شیعیان اندونزی فعالیت‌هایی در گوشه و کنار آغاز کرده‌اند. از مناطق شیعه‌نشین اندونزی می‌توان به منطقه آجیه در شمال سوماترا که از آن‌جا تشیع به مناطق دیگر انتشار یافته است و شهر «کوالا» اشاره کرد.

شیعیان اندونزی، علاقهٔ خاصی به حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دارند. این علاقه به اشکال مختلف بروز کرده است: چاپ

تصویرهای امام راحل و مقام معظم رهبری و نگهداری آنها در خانه به شمار زیاد و نیز چاپ تصویر حضرت امام علیه السلام روی بعضی پیراهن‌ها و فروش تصاویر ایشان به صورت علنی و به میزان زیاد، جلوه‌هایی از این عشق و علاقه مردم به انقلاب اسلامی و رهبری است. از دیگر نشانه‌های این محبت و علاقه، چاپ و انتشار کتب شیعی و ترجمه آنهاست که تا کنون ده‌ها کتاب از علامه طباطبایی، شهید مطهری و شهید آیت‌الله صدر و دیگر اندیشمندان شیعه به زبان اندونزی ترجمه و چاپ شده است؛ حتی دیده شده است که علمای اهل سنت به مؤسسات شیعی مراجعه می‌کنند و از آنها کتب شیعی درخواست می‌کنند.

روی هم رفته می‌توان گفت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعه حیات مجدد یافته است و از لحاظ رشد فکری و سیاسی، در حال طی نمودن راه تعالی است، اما فقدان مؤسسات شیعی و نیز کتابخانه‌های تخصصی و بالاتر از آن، مرجعی رسمی از طرف ولایت فقیه در این دیار، باعث کندی این حرکت رو به رشد بوده است. بر اساس برخی گزارش‌های موثق، در اغلب شهرهای اندونزی، شیعیان، به‌خصوص نسل جوان آنها خواستار اعزام نماینده‌ای از طرف مقام معظم رهبری، برای رسیدگی به وضع شیعیان و هدایت و راهنمایی حرکت شیعی در این سرزمین می‌باشند، و این امر نشان‌دهنده آمادگی بیش از پیش پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی جهان برای دریافت پیام اسلام راستین و آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی ایران است (www.hawzah.net).

نفوذ فرهنگی و ادبی ایران در این کشور، بسیار گسترده و وسیع است؛ چه اینکه اسلام در درجه اول به دست ایرانی‌ها به اندونزی راه یافته است؛ از این رو فرهنگ و ادب ایرانی نیز به همراه آیین اسلام در جاوه و سوماترا نفوذ و گسترش یافت (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۳۲۳).

ایرانیان با وجود بعد مسافت، از قرون اولیه هجری در اندونزی سکونت گزیدند و

به تدریج شئون مختلف سیاسی، بازرگانی، علمی و روحانی مهم‌ترین مناصب و مقامات را به خود اختصاص دادند. اسامی فارسی، از جمله نام‌هایی است که هنوز در اندونزی متداول است. علایمی که بالا و پایین حروف گذاشته می‌شود، همان زبر و زیر و پیش فارسی و عربی است. همراه با نفوذ سیاسی و تجاری، نفوذ ادبی ایرانیان در این سرزمین برقرار بوده است و بسیاری از آثار ادبیات ایران، از مدت‌ها پیش در نواحی مختلف این سرزمین، ترجمه شده است.

۷-۱. شیعیان اندونزی و حوزه علمی قم و نجف

تأثیرگذاری روحانیان تحصیل کرده در قم در سراسر اندونزی، به حدی است که می‌توان ادعا کرد جایی در این کشور نیست که نور ولایت در آن ساطع نباشد و روحانی تحصیل کرده در قم، در آنجا حاضر نباشد. فارغ‌التحصیلان حوزه علمی قم، در ترویج مذهب و تربیت و تدریس تعالیم اهل‌البیت علیهم‌السلام به شیعیان و آشنا کردن اهل سنت با این تعالیم، نقش بسزایی داشته و دارند؛ از این‌رو تلاش جدی برای افزایش شمار طلبه‌های اندونزیایی در قم ضروری است، تا بتوان در آینده نزدیک، شاهد جهشی دیگر در انتشار مذهب اهل‌البیت علیهم‌السلام در کشور اندونزی، بلکه در جنوب شرقی آسیا باشیم.

در دوران سلطه هلندی‌ها بر اندونزی، پاره‌ای از علویان حضرمی در اندونزی نامه‌نگاری‌هایی با بعضی از علمای بزرگ نجف داشتند. علویان برای نشر و ترویج مذهب اهل‌البیت در اندونزی، زحمات بسیاری کشیده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به علامه سیدمحمد سید عقیل اشاره کرد. وی جزو کسانی بوده که مجاهدت‌های بسیاری در خدمت به مذهب اجداد خود مبذول داشته است (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۳۶۲). او تألیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارتند از: *النصائح الکافیة، العتب الجمیل علی اهل الجرح و التعديل، نقویه الایمان و القول الفضل*. وی مقیم سنگاپور بود.

روزنامه علویان حضرمی، «حضر موت» نام داشت که آن را برای برخی از علمای نجف می فرستادند، ارتباط و مراوده شیعیان اندونزی و علمای نجف در دوران استعمار هلندی‌ها ادامه داشته است و زمینه آشنایی بیشتر شیعیان با اصول اعتقادی خود را فراهم آورده است.

۸. شغل‌ها و حرفه‌های شیعیان در اندونزی

در میان شیعیان اندونزی، دانشمندان بزرگ، مراجع تقلید و شاعران چیره‌دست و نویسندگان توانا و پزشکان ماهر، شخصیت‌های مبرز اداری و سیاسی، از قبیل والی و سفیر وجود دارند. در این میان می‌توان به نقش نویسندگان و استادان دانشگاه در شکل‌دهی افکار شیعی در میان مردم اشاره کرد (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۳۹۴).

۹. گسترش شیعه امامیه از ایران تا اندونزی

آن هنگام که شیخ توسی در محیط دشمنانه پایتخت دیگر احساس امنیت نمی‌کرد، به نجف رفت. در سده ششم هجری / دوازدهم میلادی حله که بر سر راه بغداد به کوفه بود، کانون اصلی دانش‌های امامی که در این زمان بیشتر بر اساس نگاه‌های توسی استوار شده بود، گردید و در زمان مغول و پس از آن نیز همچنان کانون دانش‌های امامی بود. در سرزمین اصلی ایران، کیش شیعه دوازده امامی پراکنده شده بود و در اقلیت به سر می‌بردند. برخی از این گروه‌های اقلیت، از زمان زندگانی امامان، نیمه نخست سده سوم هجری / نهم میلادی یا حتی زودتر پا گرفته بودند. این جامعه‌ها به ظاهر بیشتر زیر نفوذ قم و هواخواه این شهر بودند تا کوفه. قم، ری، نیشابور از شهرهای مهم در پذیرش شیعه دوازده امامی در ایران بودند. در سرزمین اندونزی نیز کیش شیعه امامی در سراسر سده چهارم در استان‌هایی چون آچه پراکنده گشته بود. برخی از مهاجران شیعه دوازده امامی با دختران ملوک و امرای

محلی ازدواج کردند و گاهی به مراتب و مقامات عالی و حتی سلطنت رسیدند و سلاله ایشان تا به امروز در اندونزی، همه شیعه امامیه هستند؛ علاوه بر این در سال ۷۱۷ ق نیز یک ناوگان بازرگانی عظیم ایرانی، مرکب از ۳۵ کشتی، شمار زیادی از دعاة و مبشرین شیعه را در سواحل این کشور پیاده کرد و به اقطار این سرزمین رساند (مادلونگ، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳). اوضاع نابه‌سامان اجتماع شیعیان امامیه در ایران و دوران حکومت‌های جبار، بسیاری از آنها را به سمت خاور دور نزدیک ساخت؛ مکانی که می‌توانست به گسترش این فرقه کمک خاصی کند.

گروهی از شیعیان امروز اندونزی از اعقاب و اخلاف محمد بن علی و حسن بن علی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام هستند که برای حفظ جان خود از ممالک دیگر گریختند و در این سرزمین پناه گرفتند. شاید گسترش شیعیان نتیجه آزار و اذیت‌های بیش از حد در طول تاریخ و نیاز به تبلیغ این فرقه بوده است.

بسیاری از شیعیان در جامعه امروز اندونزی، از سادات هستند. سادات اندونزی اهتمام ویژه‌ای نسبت به کرامات نقل‌شده از اجدادشان دارند. پاره‌ای از کراماتی که آنان درباره اجدادشان نقل می‌کنند، برای ائمه اطهار علیهم السلام به ثبت نرسیده و پاره‌ای دیگر از محالات عقلی است؛ با این حال آنها به صحت این کرامات معتقدند. سادات در ایران نیز در همان شهرهای قم، ری و کاشان پراکنده بوده‌اند و گسترش و حرکت آنها تا اندونزی نشانه‌ای از همگامی این دو ملت بوده است.

۱۰. سازمان‌ها و مراکز شیعی در اندونزی

شیعیان معمولاً در هر شهری ساکن می‌شوند، برای خود مرکزی تأسیس می‌کنند. این مراکز دارای مؤسسات آموزشی و خدماتی نیز می‌باشند؛ بنابراین در همه شهرهای کشور اندونزی که با عنوان مراکز شیعی شناخته شده‌اند، مؤسسات مذهبی شیعی با اسامی و نام‌های گوناگون وجود داشته، فعالیت می‌نمایند. تعداد این مراکز امروزه به

۷۳ رسیده است. از جمله این مؤسسات، می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- المهدالاسلامی: واقع در بانگیل (جاوه شرقی)، تحت سرپرستی آقای سیدعلی‌رضا الحبشی و آقای سیدمحمد بن علوی؛
- مدرسه الهادی: واقع در بکلانگلان جاوه مرکزی، تحت سرپرستی آقای سیداحمد بارقیه؛
- مؤسسه مطهری: واقع در باندونگ، تحت سرپرستی آقای دکتر جلال‌الدین رحمت؛
- مدرسه عالمیه مدینه العلم: واقع در جاکارتا، تحت سرپرستی آقای سیدعبدالرحمن العیدروس؛
- مؤسسه تزکیه: واقع در جاکارتا، تحت سرپرستی خانم یانتی سود آمونو با همکاری دکتر جلال‌الدین رحمت؛
- مؤسسه الزهرا: واقع در جاکارتا، تحت سرپرستی خانم این سوتاربومت؛
- مؤسسه المنتظر: واقع در جاکارتا، تحت سرپرستی آقای سیدعبدالله سقاف؛
- مؤسسه الحوض: واقع در جاکارتا، تحت سرپرستی آقای احمد مهاجر المحضار؛
- مؤسسه الجواد: واقع در باندونگ، تحت سرپرستی آقای حسین الکلاف؛
- مؤسسه الکوثر: واقع در مالانگ، تحت سرپرستی آقای اسحاق.

هر یک از این مؤسسات، به انواع فعالیت‌های قرآنی و دینی، عقیدتی و تبلیغی، امداد و انجام امور خیریه، برگزاری دعاها و مراسم تبلیغی، مشغول هستند.

۱۱. معرفی برخی از سازمان‌های فعال شیعی اندونزی

۱۱-۱. مرکز اسلامی جاکارتا (I.C.C)

این مرکز که توسط حجت‌الاسلام والمسلمین حکیم الهی پایه‌گذاری و اداره می‌شود، جلسات و فعالیت‌های مفید و باارزشی داشته است. ترجمه کتاب‌های آموزشی، کتابفروشی، برقراری کتابخانه، برگزاری جلسات دعای کمیل، عزاداری و کمک به

مبلغان و طلاب بومی از فعالیت‌های این مرکز می‌باشد. فعالیت‌های مورد اشاره عمدتاً با بودجه دفتر مقام معظم رهبری و مجمع جهانی اهل‌البیت علیهم‌السلام صورت می‌پذیرد (جهانتاب، ۱۳۸۵، ص ۲۵-۲۷).

فعالیت‌های مرکز اسلامی - فرهنگی جاکارتا در سه بخش متمرکز است: ۱. آموزش؛ ۲. تبلیغات؛ ۳. انتشارات.

این مرکز اسلامی در سال ۲۰۰۰ میلادی تأسیس شده است. بیشتر عناصر اصلی این مرکز از فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه قم می‌باشند که اصطلاحاً گروه استادان مرکز را تشکیل می‌دهند.

نخبگان شیعی کشور اندونزی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کسانی که تحصیلات دینی خود را در حوزه علمیه قم گذرانیده، فارغ‌التحصیل شده‌اند؛ ۲. کسانی که تحصیلات دینی خود را در مدارس علوم دینی کشور اندونزی گذرانید، فارغ‌التحصیل شده‌اند.

گروه اول، موسوم به «جناح حوزویون» و گروه دوم موسوم به «جناح اساتید» می‌باشند (جهانتاب، ۱۳۸۵، ص ۶۸).

این گروه، با گروه ایجابی و سازمان اهل‌البیت علیهم‌السلام اختلاف قابل توجهی دارند. در حال حاضر مسئول این مؤسسه استاد حسین شهاب است که آقای حسین الکاف و گروه اساتید نیز با وی همکاری نزدیکی دارند. یکی از فعالیت‌های مناسب این گروه، ترجمه کتاب‌های متعدد شیعه به زبان اندونزیایی است؛ به‌علاوه این گروه هر هفته بروشوری حاوی معارف اسلامی و اخلاق با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه نیز تهیه می‌کند که اغلب در نمازهای جماعت توزیع می‌شود. مرکز مزبور با هفتاد مؤسسه شیعی دیگر در سراسر اندونزی ارتباط دارد و پایگاه اینترنتی ویژه‌ای نیز طراحی نموده که قابل توجه است.

۱۱-۲. سازمان اهل بیت اندونزی (ایجابی)

سازمان اهل بیت اندونزی یا شورای جامعه اهل بیت علیهم السلام با نام اختصاری ایجابی، در جولای سال ۲۰۰۰ میلادی توسط پروفسور دکتر حاج جلال‌الدین رحمت و هواداران وی در شهر باندونگ تأسیس شد و تا کنون نزدیک به سی شعبه در سراسر اندونزی دایر نموده است. این سازمان از انسجام بسیار قوی‌ای برخوردار بوده و تنها تشکیلی است که به صورت کاملاً سازمان‌یافته و قانونی به فعالیت‌های مذهبی می‌پردازد. از جمله اهداف این سازمان بر اساس اساسنامه مدون آن، عبارت است از: ۱. روشن‌سازی اذهان مسلمان نسبت به وقایع روز جهان اسلام؛ ۲. دفاع از مستضعفان در مقابل ستمکاران؛ ۳. ایجاد الفت بین قلوب مسلمانان؛ ۴. حمایت از پیروان اهل بیت علیهم السلام در مقابل دشمنان؛ ۵. ترویج اندیشه‌های عقلی، عرفانی و اخلاقی؛ ۶. تأمین نیازهای روحی و مادی زندگی مورخان.

۱۱-۳. مؤسسه شهید مطهری واقع در شهر باندونگ

مؤسسه شهید مطهری به ریاست پروفسور حاج جلال‌الدین رحمت و معاونت فرزندشان، استاد مفتاح فوزی رحمت (www.smuth.net) مدرسه‌ای عمومی و غیرانتفاعی با مجوز رسمی دولتی است. این مدرسه ۲۲۵ دانش‌آموز متشکل از ۹۸ دختر و ۱۲۷ پسر می‌باشد. عکس‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و نیز مقام معظم رهبری در کلاس‌های مختلف و دفاتر این مؤسسه نصب شده است؛ به‌علاوه نشان مؤسسه نیز تصویر مرحوم شهید مطهری است (موسوی و درخشه، ۱۳۸۰، ص ۲۰). علاوه بر آموزش دروس مصوب وزارت آموزش و پرورش اندونزی، دروس اسلامی، شامل علوم قرآنی، حدیث، تاریخ اسلام و الفقه المقارن، برگزاری اردوهای روحانی به منظور خلوت کردن دانش‌آموزان با خود و بیتوته در خانه‌های مستضعفان

و فقرای مسلمان و خدمت به آنان در خانه و مزرعه، از جمله فعالیت‌های این مؤسسه می‌باشد.

این مدرسه جزو مدارس نمونه کشور اندونزی است و تا کنون چندین بار از سوی دولت به سبب موفقیت‌های اخلاقی، نوع برنامه‌های آموزشی، فناوری آموزشی و رایانه‌ای بودن مؤسسه مورد تجلیل و تشویق قرار گرفته است.

۱۱-۴. مؤسسه الجواد واقع در شهر باندونگ

این مؤسسه در سال ۱۹۹۱ میلادی تأسیس شده است. مؤسسه الجواد در زمینه چاپ و نشر کتب مذهبی فعال است و بولتنی ماهانه به نام خود مؤسسه دارد. برگزاری جلسات مذهبی در روزهای یکشنبه، دوشنبه، پنجشنبه و جمعه، تدریس منطق، فلسفه، احکام و معارف اسلامی، برگزاری مراسم گرامیداشت اعیاد و ایام اسلامی - شیعی از دیگر برنامه‌های این مؤسسه است. در حال حاضر مدیر مؤسسه جناب استاد سیدحسین الکاف، مبلغ تحت پوشش مجمع جهانی اهل‌بیت و از شخصیت‌های برجسته مذهبی و یکی از مترجمان بسیار فعال آثار مذهبی شیعه به زبان اندونزیایی است. از جمله فعالیت‌های چشمگیر ایشان، می‌توان به ترجمه سریال اصحاب کهف به زبان ملایو و پخش آن همراه با زیرنویس در قالب DVD, VCD در بین علاقه‌مندان اشاره نمود (جهانتاب، ۱۳۸۴، ص ۶۴).

۱۱-۵. مؤسسه وحدت واقع در شهر سولو

این مؤسسه تحت سرپرستی آقای سقاف الجعفری است. مؤسسه وحدت از امکانات چندانی برخوردار نیست؛ ولی با توجه به اینکه چراغ اهل‌بیت را در این شهر روشن می‌کند و به تعلیم و تربیت جوانان شیعی و بسط معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌پردازد، حایز اهمیت و شایان تجلیل است (موسوی و درخشه، ۱۳۸۰، ص ۲۱).

۱۱-۶. مؤسسه فاطمیه واقع در استان جاوه مرکزی

دکتر جلال‌الدین رحمت علاوه بر عهده‌داربودن مسئولیت مدرسه شهید مطهری، دو مرکز خیریه به نام‌های حوزه علمیه اهل‌بیت علیهم‌السلام با ۱۴۰۰ دانش‌آموز بی‌بضاعت و فقیر و مدرسه اهل‌بیت علیهم‌السلام در مقطع راهنمایی و با ۳۰۰ دانش‌آموز بی‌بضاعت و فقیر را اداره و سرپرستی می‌نماید. دو پسر وی به نام‌های استاد مفتاح فوزی رحمت و استاد علما فوزی رحمت، هر دو تحصیل‌کرده حوزه علمیه قم می‌باشند. نامبرده تا کنون بیش از سی عنوان کتاب با موضوعات اسلامی - شیعی تألیف کرده است.

۱۱-۷. حوزه علمیه دارالتقرب

حوزه علمیه دارالتقرب سه سال است تأسیس شده و در این مدت چندین طلبه به نقاط مختلف روانه کرده است. در این حوزه ۲۰ طلبه پسر به صورت شبانه‌روزی به تحصیل علوم دینی و مذهبی، از جمله اصول فقه، اصول عقاید، معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام، همچنین فراگیری زبان عربی و انگلیسی اشتغال دارند. این حوزه پنج استاد دارد و آموزش‌های لازم به صورت سمعی و بصری ارائه می‌شود (موسوی و درخشه، ۱۳۸۰، ص ۱۳). این حوزه در شهر چاپارا واقع شده است.

۱۱-۸. مؤسسه مجلس ذکر دعای جوشن کبیر

مؤسسه مزبور، در روز به تعلیم معارف شیعی برای اقشار مختلف مردم می‌پردازد و در روزهای سه‌شنبه بعد از حضور گسترده در حدود ۲ ساعت به پیاده‌روی می‌پردازند.

۱۱-۹. حسینیه نورالثقلین

حسینیه مزبور در سال ۱۹۹۰ در شهر سمارانگ تأسیس شده است. برنامه‌های آموزشی حسینیه نورالثقلین نیز عبارت‌اند از: برگزاری مجالس تفسیر قرآن، آموزش اصول عقاید، احکام (جهانتاب، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

۱۱-۱۰. مجلس تعلیم فاطمیه

این مجلس در روستای مارادما واقع شده، توسط جناب استاد محمد صالح تأسیس گشته است. در این مجلس ضمن برگزاری مجالس قرائت ادعیه پرفیض کمیل و توسل، به امر آموزش معارف اسلامی برای اقشار مختلف مردم نیز پرداخته می‌شود. سی دانش‌پژوه نوجوان (پانزده پسر و پانزده دختر) در برنامه‌های آموزشی این مؤسسه شرکت می‌نمایند (جهانتاب، همان).

۱۱-۱۱. مؤسسه روشنفکر

این مؤسسه در سال ۱۹۹۵ در شهر جوگجاکارتا بر پایه تفکرات فکری و فلسفی حضرت امام خمینی علیه السلام و شهید مطهری علیه السلام، شهید صدر و دکتر شریعتی، توسط آقایان صفوان و راحی منیر (خبرگزاری مجله معروف و پرشمارگان ثمبو) تأسیس شده است. اهم فعالیت‌های مؤسسه روشنفکر، عبارت است از: فروش کتب اهل‌بیتی، برگزاری کلاس‌های آموزش علوم اسلامی و فلسفه، برگزاری جلسات مذهبی و... این مؤسسه همچنین دارای کتابخانه‌ای با پانصد عنوان کتاب دینی است که حدود ششصد نفر به عنوان عضو رسمی از آن استفاده می‌کنند (همان، ص ۵۱).

۱۲. اسامی و شرح حال مختصر چند تن از فعالان شیعه اندونزی

۱۲-۱. دکتر جلال‌الدین رحمت

علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، دوره فلسفه را در حوزه علمیه قم گذرانیده است. محل زندگی: شهر باندونگ؛ نوع فعالیت: استاد دانشگاه، نویسنده کتاب‌های مختلف مذهبی و اجتماعی، نویسنده مقالات مختلف در روزنامه‌ها و مجلات، سخنرانی مذهبی در مجالس مختلف اهل سنت و شیعه.

۱۲-۲. سیداحمد بارقبه

فارغ‌التحصیل از حوزه علمیه قم، ساکن شهر یگالونگران در جاوه مرکزی، نوع فعالیت: مسئول مؤسسه و مدرسه الهادی، تدریس در مدرسه الهادی.

۱۲-۳. سیدزاهد یحیی

فارغ‌التحصیل از حوزه علمیه قم، محل زندگی: شهر بانگیل در جاوه شرقی؛ نوع فعالیت: سخنرانی و تدریس معارف اسلامی، یکی از مسئولان فعال مؤسسه الکوثر در شهر مالانگ.

۱۲-۴. سیدمحسن شهاب

فارغ‌التحصیل از حوزه علمیه قم و دارای مدرک کارشناسی ارشد. نوع فعالیت: نویسنده و مترجم کتاب‌های مختلف به‌ویژه آثار شهید مطهری، سخنرانی در مجالس اهل سنت و شیعه.

۱۲-۵. رشدی العید روس

فارغ‌التحصیل از حوزه علمیه قم، نوع فعالیت: سخنرانی و تدریس معارف اسلامی.

۱۲-۶. السماوی

فارغ‌التحصیل از مدرسه دینی اندونزی، محل زندگی: شهر جمیر در جاوه شرقی؛ نوع فعالیت: سخنرانی و تدریس معارف اسلامی.

۱۲-۷. سیدحسین اکلاف

فارغ‌التحصیل از حوزه علمیه قم، نوع فعالیت: مسئول مؤسسه الجواد باندونگ.

۸-۱۲. سید عبدالرحمن الحیدروس

فارغ‌التحصیل از حوزه علمی قم، نوع فعالیت: رئیس مدرسه عالی معارف اسلامی مدینه‌العلم، سخنرانی و تدریس معارف اسلامی.

۹-۱۲. عثمانی شهاب

دارای مدرک تحصیلی لیسانس از جامعه الزهراء، نوع فعالیت: سخنرانی و تدریس معارف اسلامی در میان اهل‌تسنن، اجرای برنامه‌های اسلامی در تلویزیون، اعزام گروه‌های زیارتی به‌ویژه حجاج.

۱۰-۱۲. عبدالله السقاف

فارغ‌التحصیل از حوزه علمی قم، نوع فعالیت: مسئول مؤسسه IPABI (اتحادیه جوانان اهل‌بیت علیهم‌السلام اندونزی)، سخنرانی و تدریس معارف اسلامی.

۱۱-۱۲. سیدهادون الحداد

فارغ‌التحصیل از حوزه علمی اندونزی، محل زندگی: سورامایا، نوع فعالیت: سخنرانی و تدریس معارف اسلامی (موسوی و درخشه، ۱۳۸۰، ص ۶۲-۶۳).
غیر از افراد نامبرده، بسیاری از بزرگان و اندیشمندان شیعه در این کشور مشغول به فعالیت هستند که به سبب اندک‌بودن مجال، در این نوشتار نمی‌توان به آنها پرداخت.

۱۳. فهرست کتاب‌های نویسندگان شیعه ترجمه‌شده در اندونزی

انقلاب اسلامی همراه با نوشته‌های شهید مطهری، آیت‌الله جعفر سبحانی، علامه طباطبایی و دکتر علی شریعتی و دیگر اندیشمندان شیعی که به زبان اندونزیایی ترجمه شده است، به اجتماع راه یافت (فناپی، ۱۳۶۸، ص ۴)؛ به گونه‌ای که پس از

سال‌های طولانی انفعال نسبت به علما و روحانیون، آنان را از نو به علما و دانشمندان علوم اسلامی امیدوار ساخت. این پدیده مثبت را می‌توان در چند برابرشدن علاقه‌مندی مردم به فراگیری علوم اسلامی مشاهده کرد.

عنوان شماری از کتاب‌ها به قرار زیر است:

۱. اخلاق آل محمد: از دکتر موسی جواد سبحانی؛
۲. الرساله (فروع ابدیت): جعفر سبحانی؛
۳. کیف تبنی شخصیتک: جلیل الموسی؛
۴. اخلاق جنسی در اسلام و جهان: مرتضی مطهری؛
۵. فاطمه الزهرا (س): ابراهیم امینی؛
۶. دین در برابر دین: علی شریعتی؛
۷. انسان کامل: مرتضی مطهری؛
۸. تدوین الحدیث: رسول جعفریان؛
۹. نظام حقوق زن در اسلام: مرتضی مطهری؛
۱۰. معاد: ناصر مکارم شیرازی؛
۱۱. تعبیر خواب: امام جعفر صادق (ع)؛
۱۲. توحید: محمدتقی مصباح؛
۱۳. نور در وجود من: مطهری و طباطبایی؛
۱۴. انسان: علی شریعتی (موسوی و درخشه، ۱۳۸۰، ص ۶۴-۶۵).

نتیجه

آمارها حاکی از آن است که رشد شیعیان در اندونزی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رو به افزایش است و این امر نشان می‌دهد جامعه شیعه اندونزی در مرحله جدیدی از دوران خود به سر می‌برد. وجود مراکز فرهنگی، فکری و حوزوی در جای جای این سرزمین و جذب نیروهای جوان، اعم از زن و مرد، اندونزی را به سوی آینده درخشان سوق می‌دهد. نزدیکی و همخوانی آداب و سنن خاص شیعیان در این کشور و همانندی آن با شیعیان در ایران و حتی سایر نقاط جهان، بر این امر صحنه می‌گذارد.

برگزاری کلاس‌های آموزشی تبلیغاتی، مراسم دعا، برپایی نماز جمعه، آداب و مراسم خاص ماه محرم و صفر و برگزاری اعیاد مذهبی، خود نشان از طی کردن گذشته‌ای تاریک و نزدیکی به آینده روشن را در پی دارد. رواج اندیشه‌ها و آثار بزرگان و اندیشمندان ایران در این کشور، دلیل محکمی است بر استقبال بی‌نظیر مردم از این نیروی عظیم که این رویه، خود بعد از انقلاب اسلامی جریانی فراگیر را به همراه داشته است و انقلاب ایران خود به عنوان یک تابش بی‌نظیر، تمام کشورهای همجوار و حتی دوردست را فرا گرفته است. بسیاری از مراکز شیعی در اندونزی امروزه با مراکز حوزوی و دانشگاهی در ایران در ارتباط هستند و از افکار و اندیشه‌های یکدیگر بهره‌مند می‌شوند که خود نویدبخش گام‌نهادن در مسیر تعالی است.

منابع

۱. آرون، ریمون؛ **مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی** (متن کامل)؛ ترجمه باقر پرهام؛ تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
۲. ابن‌العربی، غریغوریوس ابوالفرج اهرون؛ **تاریخ مختصر الدول**؛ ترجمه دکتر محمدعلی تاج‌پور و دکتر حشمت‌الله ریاضی؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
۳. ابن‌ماجه، ابی‌عبدالله محمد بن یزید القزوینی؛ **سنن**؛ تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م.
۴. اقبال، محمدظفر؛ «محرّم به مثابه یک هنر»؛ به نقل از جا کارتاپست، ش ۳، ۱۹۹۶م.
۵. اقبال لاهوری، محمد؛ **احیای فکر دینی در اسلام**؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۵۶.
۶. البلاذری، ابی‌الحسن؛ **فتوح البلدان**؛ بمراجعتہ و التعليق علیہ رضوان محمد رضوان؛ بیروت: دارالعلمیہ، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۸م.
۷. پروفیسور مادلونگ؛ **فرقه‌های اسلامی**؛ ترجمه دکتر ابوالقاسم سری؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
۸. جهانتاب، مهدی؛ **گزارش سفر کارشناسی به اندونزی**؛ تهران: مجمع جهانی اهل‌بیت، ۱۳۸۴.
۹. _____؛ **گزارش کارشناسی سفر به کشورهای مالزی و اندونزی**؛ تهران: مجمع جهانی اهل‌بیت، ۱۳۸۵.
۱۰. _____؛ **گزارش کارشناسی سفر به کشورهای تایلند و اندونزی**؛ تهران: مجمع جهانی اهل‌بیت، ۱۳۸۲.
۱۱. چلکوفسکی، پیتر؛ «دور از دشت کربلا»؛ **مجله چشم‌انداز**، ش ۱، ۱۳۷۳.
۱۲. حسن‌زاده، مهدی؛ «نگاهی به مراسم دهه محرم در جنوب اندونزی»؛ **مجله زائر**، ش ۶۶، ۱۳۷۹.
۱۳. **دایرةالمعارف تشیع**؛ به کوشش احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی؛ ج ۲، تهران: شرکت افست (سهامی عام)، ۱۳۶۸.
۱۴. ربانی، محمدعلی؛ «حضور تاریخی فرهنگ شیعی در اندونزی»؛ **چشم‌انداز**، ش ۱، ۱۳۷۳.
۱۵. _____؛ **شناسنامه فرهنگی اندونزی**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۱۶. زرین‌قلم، عبدالحمید؛ **سیاست فرهنگی اندونزی**؛ تهران: دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی فرهنگی و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳.

۱۷. شهاب، محمد اسد؛ «جوله فی ربوع جزر مورو»؛ مجله جا کارتاپست، چاپ جا کارتا، ش ۳، ۱۳۸۵.
۱۸. _____؛ «صفحات من تاریخ الشیعه فی اندونسیا»؛ درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۵، ۱۳۸۴.
۱۹. مظفر، محمدحسین؛ تاریخ شیعه؛ ترجمه دکتر سیدمحمدباقر حجتی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی؛ انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن؛ تهران: کتاب سیاسی، ۱۳۶۷.
۲۱. فنایی، علی؛ «اندونزی بر سر دو راهی»؛ ترجمان سیاسی، ش ۳۳، ۱۳۸۳.
۲۲. مصطفی، شاکر؛ الاسلام فی الاشرق الاقصی؛ ترجمه قیصر مجول؛ ج ۳، بیروت: موسوعة دور العالم الاسلامی و رجالها، ۱۳۸۰ق.
۲۳. مطهری، مرتضی؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ ج ۹، تهران: صدرا، ۱۳۵۷.
۲۴. موسوی و درخشه؛ گزارش کارشناسی سفر به اندونزی؛ تهران: مجمع جهانی اهل‌البیت (ع)، ۱۳۸۰.
۲۵. نوثر، ولیار؛ نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی؛ ترجمه ایرج رزاقی؛ تهران: چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

26. Williams, R; **Keywords**; Fontana: London, 1976.

27. Tilly/c; theory of Islamic, Fontana; London, 1978